



# در وسط – بحران‌های دنیای کار و مصادره آن‌ها توسط راست‌گرایان #4

یک/هیچ پدیده حاشیه‌ای؟ عوام‌گرایی (پوپولیسم) راست‌گرا در جامعه و شرکت

بیگانه یا «بیگانه شده» توصیف می‌شود. این ساختارها، به طور مثال هنگامی که صحبت از «نخبگان جهانی‌گرا» است، فضا را برای روایت‌های توطئه و تصورات یهودستیزانه باز می‌کنند. در مقابل نوع چپ‌گرای عوام‌گرایی اغلب به توصیف ساده شده از سرمایه‌داری و نخبگان اقتصادی اشاره دارد.

این مساله که این واژه در رسانه‌ها این قدر مورد استفاده قرار می‌گیرد، یک دلیل کاربردی نیز دارد: از نظر حقوقی نمی‌توان استفاده از آن را ممنوع کرد. به همین دلیل خبرنگاران می‌توانند، بدون آن که به طور مثال لازم باشد نگران شکایت به دلیل یک ادعای غلط باشند، از این واژه استفاده کنند. در مقابل واژگانی مانند «فاشیست» یا «راست‌گرای افراطی» از نظر حقوق آسان‌تر قابل اعتراض هستند. به این ترتیب AfD امروزه به عنوان پوپولیست راست‌گرا تلقی می‌شود – قبلاً این قضیه در مورد NPD نیز صدق می‌کرد، اگر چه این حزب به صورت آشکار نزدیکی خود را به ناسیونال سوسیالیسم نشان می‌دهد. تنها دسته بندی قضایی توصیف علنی NPD به عنوان راست‌گرای افراطی را به صورت آشکار امکان پذیر ساخت.

## گسترش: دارای ریشه‌های عمیق

این مساله که مواضع عوام‌گرایانه راست‌گرا این همه انعکاس می‌یابد، پدیده جدیدی نیست. مطالعات علمی از دهه‌ها پیش تا کنون گسترش آن در آلمان و همچنین این مساله را که بخش‌هایی از مردم از دیرباز

یدر پاییز سال 2025 در چارچوب پروژه "Connect" – تنوع از طریق مشارکت" در DGB- Bildungswerk Thüringen e.V (انجمن ثبت شده سازمان آموزش DGB تورینگن) یک سری رویدادهای آنلاین برگزار شد. سخنرانی‌های این سری رویدادها به صورت مکتوب درآمدند و به چندین زبان منتشر شدند. این متن سخنرانی **Peter Bierl** خبرنگار و نویسنده را خلاصه و جمع بندی می‌کند.

در سال 2025 عوام‌گرایی راست‌گرا مدت‌ها است که دیگر فقط یک پدیده حاشیه‌ای اجتماعی محسوب نمی‌شود. صرفاً روند صعودی مداوم حزب AfD که در نظرسنجی‌های انتخاباتی در سطح فدرال در برخی موارد قدرتمندترین نیرو است، این مساله را تایید نمی‌کند. اما چگونه این اتفاق رخ داد؟

## اصطلاح: عوام‌گرایی راست‌گرا اصلاً چیست؟

برای صحبت کردن در مورد گسترش عوام‌گرایی راست‌گرا، در ابتدا توضیح واژه ضروری است. عوام‌گرایی یک منطق سیاسی را توصیف می‌کند که «ملت» را که به عنوان «خوب» و ایستاده «در طرف درست» توصیف شده‌اند، در مقابل یک به ظاهر «گروه نخبه‌شور» قرار می‌دهد. این طرح اولیه بسته به جهت‌گیری سیاسی از طریق تفسیر محتوایی آن متفاوت است. عوام‌گرایی راست‌گرا واژه ملت را دارای بار معنایی قومی می‌کند و آن را با هویت ملی پیوند می‌دهد؛ گروه نخبه به عنوان

به صورت راسخ دارای تصورات و باورهای راستگرایانه افراطی از جهان هستند، نشان می دهند. طرح مطالعاتی موسوم به Mitte که در مورد دیدگاه های راستگرایانه افراطی در جامعه آلمان تحقیق می کند، در طرح مطالعاتی جدید خود این مساله را در مورد 3 درصد جمعیت آلمان تشخیص داده است. البته خارج از این حد افراطی نیز بسیاری از افراد دارای عقاید نژادپرستانه هستند - به طور مثال 30 درصد با این گزاره موافق هستند که پناهندگان به طور کلی به «سوء استفاده از مزایای اجتماعی» مشغول هستند. بیش از نیمی از آن ها دست کم تا حدودی اعتقاد دارند که آلمان «بیش از حد در معرض تاثیرات اتباع خارجی قرار گرفته» است. همچنین یک منطقه خاکستری بزرگ که با وجود آن که به وضوح با دیدگاه های انسان ستیزانه موافق نیست، اما آن ها را همچنین به صورت آشکار نمی کند، اهمیت دارد. این مساله در مورد تقریباً 20 درصد سؤال شوندگان صدق می کند.

کاملاً به صورت ملموس متوجه می شوند، به طور مثال با الفاظ تحقیرآمیز در محل کار یا تجربه نژادپرستی در هنگام جستجوی خانه. جو اجتماعی دست از سر شرکت ها نیز بر نمی دارد. نظرسنجی ها نشان می دهند که کارگران بیشتر از میانگین جمعیت دارای تصورات راستگرایانه افراطی از جهان هستند. و همچنین در میان اعضای اتحادیه کارگری میزان نسبتاً بالایی از رای دهندگان به AfD وجود دارد.

## روند صعودی AfD چگونه اتفاق افتاد؟

اگر مواضع عوام گرایانه راستگرا در آلمان نوظهور نیستند، چرا AfD از ده سال پیش تا کنون یک روند صعودی مداوم و در سطح فدرال را تجربه می کند؟ چرا دقیقاً این حزب موفق می شود که نارضایتی های اجتماعی را به توفیق های انتخاباتی تبدیل کند؟ AfD اولین حزب ضد دموکراسی جمهوری فدرال آلمان نیست، اما اولین حزب ضد دموکراسی است که توانست خود را به صورت دائمی تثبیت کند و به همه پارلمان راه یابد. یک توضیح قابل فهم این است که ویژگی های خود حزب کمتر تعیین کننده هستند، بلکه به خصوص تحولات اجتماعی دهه های اخیر که به شرایط اجتماعی تشدید شده منجر شده اند، تعیین کننده هستند.

## نامنی اقتصادی و ترس از افول اجتماعی

امروزه افراد بیشتری در آلمان به صورت فزاینده در زندگی روزمره خود دارای

مشکلات زیادی هستند. از یک سو این به دلیل دنیای کار و اقتصاد است. با تورم و قیمت های در حال افزایش فقر نیز افزایش می یابد. همچنین خود کار در بخش های زیادی، به طور مثال در بخش های اجتماعی و در نظام سلامت، مفصل تر و استرس زا تر می شود. موارد خستگی (مزم) و فرسودگی افزایش می یابند.

بسیاری به سختی می توانند از طریق کار خود امرار معاش کنند: 800.000 فرد شاغل در آلمان باید «ارتقا پیدا کنند»، یعنی علاوه بر درآمد کسب و کار خود یارانه ها و مزایای اجتماعی دریافت کنند. 15 درصد افراد شاغل در بخش با دستمزد پایین مشغول به کار هستند.

علاوه بر این تصورات تحقیر کننده انسان در آلمان از نظر ساختاری نهادینه شده است. یک مثال برای این مورد قوانین تابعیت تا سال 2000 است که بر اساس "ius sanguinis" (قانون خون) - یعنی نسب به جای محل تولد - عمل می کرد. به این ترتیب نوه متولد شده در آلمان کارگر مهمان ترک رسماً به عنوان تبعه خارجی محسوب می شد. افراد موسوم به «آلمانی های روس تبار» که اجدادشان در قرن 18 و 19 به روسیه مهاجرت کردند و از سال های دهه 1980 به آلمان آمدند، از نظر قانونی فوراً دوباره به عنوان اتباع آلمانی محسوب شدند. در پس این قضیه ایده ناسیونالیسم (ملی گرایی) قومی نهفته است: آلمانی کسی است که «خون آلمانی» دارد، نه کسی که در اینجا زندگی می کند.

این ریشه های عمیق در تجربه های زندگی روزمره نمود می یابند. در حال حاضر با بحث های عمومی به پیش داوری های موجود بیشتر دامن زده می شود، اظهار نظرهای نژادپرستانه و بحث های عوام گرایانه راستگرا حتی توسط احزاب موسوم به میانه رو، به طور مثال در دولت فدرال، انجام می شوند. قربانیان پیامدها را

از سوی دیگر اقدامات احتیاطی عمومی برای حفظ بقا بدتر می شود. کیفیت زیرساخت دولتی و حمل و نقل عمومی محلی کاهش می یابد، بر سر ظرفیت های پذیرش مرکز مراقبت روزانه از کودکان (Kita) دعوا و جدال شدیدی در گرفته است، استخرها و کلپ های جوانان در روستا باید تعطیل شوند و نظام سلامت تقریباً در همه جا بیش از حد تحت فشار است. علاوه بر این تغییر و تحول جمعیتی برای بسیاری از افراد نگرانی موجهی ایجاد می کند - چه کسی پرستاری و مراقبت را در یک جامعه در حال پیر شدن، از نظر مالی و همچنین به صورت عملی تقبل می کند؟ بحران اقلیمی مشکلات زیادی - مانند بحران های موجود در کشاورزی و تحول صنعت - را به طور مضاعف تشدید می کند.

بر این اساس چالش های سیاسی فوق العاده بزرگ هستند و ناکامی در تحقق وعده های انتخاباتی (به خصوص در ائتلاف های چند حزبی که نیازمند مصالحه هستند) اجتناب ناپذیر است. این موجب ناامیدی گسترده و به طور کلی نارضایتی از «سیستمی» می شود که بر اساس احساس بسیاری از افراد دیگر برای آن ها کارایی ندارد.

### وعده رفاه نقض شده

اما چرا این مساله به راستگرایان در روند صعودی کمک می کند؟ یک پاسخ احتمالی به شرح زیر است: رفاه و چشم انداز پیشرفت اجتماعی موجب انسجام دموکراسی سیاسی می شود. زیرا همان طور که نشان داده شد، دیدگاه های تبعیض آمیز قبلاً هم بسیار شایع بودند. البته بخش عمده جامعه از نظر سیاسی به احزاب مردمی دموکراتیک احساس تعلق خاطر داشت - به خصوص به این دلیل که آن ها پیشرفت اجتماعی واقعی را تجربه می کردند. دهه های پس از جنگ جهانی دوم رفاه گسترده و این احساس را به ارمغان آوردند که از طریق کار می توان زندگی بهتری برای خانواده خود فراهم کرد. بنابراین رفاه تقریباً به عنوان چسب دموکراسی، به عنوان رابط عمل می کرد: با وجود آن که نارضایتی های راستگرایان وجود داشت، این نارضایتی ها به ندرت به انتخاب احزاب ضد دموکراسی منجر می شد. به دلیل وضعیت های اجتماعی تشدید شده شرح داده شده، از این وعده رفاه اجتماعی چیزهای به صورت فزاینده کمتری باقی مانده است.

البته علل این امر ساختاری هستند: نابرابری اجتماعی در 30 سال اخیر به شدت تشدید شده است. امروزه نیمه فقیرتر آلمانی ها دارایی چندانی ندارند - آن ها روی هم رفته فقط 3 درصد از کل دارایی های موجود در جمهوری فدرال آلمان (BRD) را در اختیار دارند. در مقابل بار مالیاتی ثروتمندترین افراد از دهه 90 به صورت نسبی کاهش می یابد. به این ترتیب این گروه سهم کمتری در تامین مالی کارهای عمومی دارند. بر این اساس نه تنها پیشرفت جمعی متوقف شده است، همچنین توزیع رفاه تغییر کرده است و شدیدتر از قبل به نفع طبقات ممتاز است.

بسیاری از افراد به دلیل بدتر شدن شرایط زندگی خود در سال های اخیر از دولت و سیاست به طور کلی رویگردان شده اند. البته در مورد بسیاری از افراد اطلاعات در مورد علل و بنابراین تفسیر انتقادی تحولات اجتماعی وجود ندارد. به این ترتیب آن ها مستعد پذیرش سیاست راستگرایانه هستند که به دنبال سپرهای بلا می گردد و پیش داوری های موجود را به صورت هدفمند موضوع بحث قرار می دهد. بنابراین مواضع انسان ستیزانه نوظهور نیستند - اما امروزه می توان آن ها را از نظر سیاسی به وضوح بهتر بسیج کرد. دقیقاً این امر به احزاب راستگرا مانند AfD در دستیابی به موفقیت های خود کمک می کند.

### چالش برای مزدبگیران و نمایندگان آن ها

روند صعودی عوام گرایی راستگرا و در نتیجه همچنین AfD نه تنها برای دموکرات ها، بلکه برای همه افراد شاغل یک چالش آشکار محسوب می شود. زیرا حزب AfD ایدئولوژی عوام گرایانه راستگرای خود را با مواضع نقولیرالی ترکیب می کند: این حزب علیه اتحادیه های کارگری تثبیت شده قد علم می کند، با سیاست اقتصادی خود نابرابری را تشدید و از طریق شکاف اجتماعی مبارزه مشترک افراد شاغل برای شرایط کاری بهتر را دشوار می سازد. در این ارتباط همبستگی دقیقاً در این دوران تعیین کننده است، زیرا دولت های آینده همچنان به دنبال کاهش یارانه ها و مزایای اجتماعی خواهند بود. همان طور که این متن نشان داده است، این امر همزمان دموکراسی را به صورت حاد تهدید می کند.

## آیا می‌خواهی بیشتر در مورد این مساله بدانی که بحث‌ها در شرکت و جامعه از طریق تفسیرهای راست گرایانه اشغال می‌شوند؟

همه موضوعات دیگر سری رویدادها و آثار منتشر  
شده را در وب سایت ما:

[www.dgb-bwt.de/wissen-fuer-alle](http://www.dgb-bwt.de/wissen-fuer-alle)

همه متن‌ها به زبان‌های زیر در دسترس هستند:  
عربی، دری، آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، لهستانی،  
روسی، اسپانیایی، ویتنامی.

افراد شاغل و به خصوص نمایندگان آن‌ها (شورای  
شرکت و شورای کارکنان، اتحادیه‌های کارگری) چه  
موضع‌گیری می‌توانند علیه عوام‌گرایی راستگرا داشته  
باشند؟ چهار نکته اصلی:

### ۱ - تقویت خواسته‌های اصلی:

اتحادیه‌های کارگری و شورای شرکت/شورای کارکنان  
باید همچنان بر وظایف اصلی خود - شرایط کاری  
مطلوب، دستمزدهای منصفانه و امنیت برای همه  
مزدبگیران - تمرکز کنند.

### ۲ - سازمان محلی قوی:

اتحادیه‌های کارگری باید در محل مشارکت قوی تری  
داشته باشند، مشکلات ملموس را آشکار کنند و علل را  
بیان کنند. آن‌ها قبلا در اتحادیه‌های شهری و بخش  
ها ارتباط تنگاتنگی با کارگران داشتند. همزمان سازمان  
داخلی باید به جای بوروکراتیک بودن، توانمند کننده و  
تقویت کننده باشد.

### ۳ - حمایت از آموزش سیاسی:

از مجمع‌های شرکت و سایر قالب‌ها باید برای توضیح  
تحولات اجتماعی و روابط سیاسی استفاده شود. به  
این ترتیب افراد شاغل از نگاه منتقدانه‌ای برخوردار می  
شوند که پرده از روی تفاسیر راستگرایانه بر می‌دارد.  
علاوه بر این امر مبنایی برای مشارکت شخصی فعال در  
تحول شرکت ایجاد می‌کند - به طور مثال در صنعت،  
جایی که تغییر رویکرد در جهت تولید پایدار باید از نظر  
اکولوژیکی معقول و همزمان به صورت تضمین کننده  
فرصت‌های شغلی سازماندهی شود.

### ۴ - اقدام کردن شجاعانه در زندگی روزمره:

در شرکت، باشگاه یا در خانواده لازم است که با  
اظهارات نژادپرستانه یا انسان ستیزانه با قاطعیت  
برخورد کنید.

In Trägerschaft  
des:



Im Rahmen des  
Bundesprogramms:



Gefördert durch  
das:



Administriert durch  
das:

